

پیشخوان

به بهانه انتشار «تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم»

تحلیلی متفاوت با ادبیات رایج!

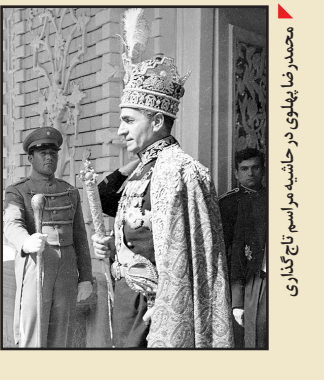
■ **محمدرضا کائینی**



یکی از راه‌های رایج ارزیابی سیستم‌های حکومتی، سنجش آن با تئوری‌های ساخت‌قدرت در جهان امروز است. جای چنین سنجشی در مورد سلطنت پهلوی دوم خالی بود که اخیراً مرکز اسناد انقلاب اسلامی به

انجام آن مبادرت ورزید. ناشر در دیباچه این پژوهش نوانتشار، درباره ضرورت‌های چنین نگاهی به دوره سلطنت محمدرضا پهلوی چنین آورده‌است: «زاین پژوهش نتیجه‌نهایی بررسی دولت در ایران، براساس نظریات رایج در ادبیات دولت، به دست آمده است، که منجر به ضعف اندیشه دولت در ایران شده است. علاوه بر این که نگاه مغایر با ادبیات توسعه در ایران، محققان داخلی را نیز ناچار به اتخاذ الگوهای نظری خاص غربی برای تحلیل دولت در ایران واداشته است، در حالی که جغرافیای ایران، تاریخ ایران و تکثر قومی و فرهنگی حاکم بر جامعه ایران، نیازمند تقویت اندیشه دولت، ساختار آن و در عین حال جامعه است. کتاب حاضر در تحلیل و بررسی الگوهای نظری رایج در مورد ساخت‌قدرت سیاسی یا دولت در ایران و ارائه مناسب‌ترین نظر به در انطباق با ساخت‌قدرت سیاسی عصر پهلوی دوم دارد و این مهم را با توجه به مؤلفه‌ها و عناصر خاص جامعه ایرانی پی می‌گیرد. بی‌شک ارائه این تحلیل‌ها که مغایر با ادبیات رایج می‌باشد، هم به بالندگی اندیشه دولت و هم به ادبیات توسعه در ایران کمک خواهد کرد.»

در ایسن پژوهش تاریخی در باب آن سخن رفته، چنین نگاشته است: «حکومت محمدرضا پهلوی با بهره‌مندی از پشتوانه عظیم مالی و حمایت خارجی و نیز استفاده از مؤلفه‌هایی چون استبدادگرایی، اقتدار منشی و… توانست طی سالیان متمادی با استبداد و حاکمیت زور، بیساری از واژه‌های مناصر



محمدرضا پهلوی در حاشیه مراسم تاج گذاری

به نظام‌های غیرمردمی و نامشروع را در فضاهای خاص سیاسی ایران عصر مدرن جلوه گر نماید. از سوی دیگر، شرایط خاص داخلی منج از تعاملات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طبقات، نهادها و اقدشار مختلف اجتماعی با حکومت و تأثیرگذاری فرایند نظام بین الملل و قدرت‌های بزرگ بر حکومت محمدرضا پهلوی، نقش مؤثری در تحولات ساخت قدرت سیاسی عصر پهلوی دوم داشت. با توجه به متغیرهای دخیل در پیدایش ساخت قدرت سیاسی عصر پهلوی که برخی منشأ داخلی و برخی منشأ خارجی دارند، پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان نظر به ساخت‌قدرت خلالت و مشارکت داشته باشد. دوم را با وجود متغیرهای متنوع دخیل، تبیین کرد، جامعه‌شناسی سیاسی ایران را با اهمیت پی نماید. نظر به‌های مرتبط به ساخت قدرت سیاسی ایران، چگونه مسائل پیچیده و مهم جامعه ایران و کارکرد عناصر سیاسی، اجتماعی در عرصه رقابت سیاسی را بریشه‌یابی و تبیین نموده است؟ در نظر به‌سازی ساخت قدرت سیاسی، هر گونه بحث از حکومت و پیامدها، نتایج و مؤلفه‌های آن در گرو توجه عالمانه به موقعیت اقدشار و طبقات اجتماعی، آشنایی با منزلت و پایگاه‌های اجتماعی نخبگان، گروه‌ها، نهادها و جریان‌های سیاسی است، چراکه محوریت نظام سیاسی و قدرت حاکم و منشأ مشروعیت

رژیم‌های سیاسی از تعامل با جامعه و گروه‌های مرجع نشت می‌گیرد. عمده‌ترین مباحث این کتاب نیز با تأکید بر نظام سیاسی عصر پهلوی دوم و زمینه‌های اجتماعی و بین‌المللی شکل‌گیری آن در جهت تبیین کارآمدترین و مناسب‌ترین نظریه ساخت قدرت سیاسی و انطباق آن با حکومت محمدرضا پهلوی می‌باشد. با توجه به مدل‌های گوناگون و متنوع ساخت قدرت سیاسی که مختص جوامع جهان سوم و در حال توسعه می‌باشد، سؤال اساسی این است که مناسب‌ترین نظریه یا نظریه‌هایی که الگوی مناسبی در انطباق با ساخت قدرت سیاسی عصر پهلوی دوم باشد، چیست؟ دستیابی به پاسخ مناسب برای سؤال فوق و کسب توفیقات ارزنده در انطباق نظریه‌های ساخت قدرت سیاسی با دولت پهلوی، موقعیت، شرایط، عملکرد و پایگاه مشروعیت نظام عصر پهلوی دوم در ایران را مشخص نموده و دلایل و انگیزه‌های ریاویویی مردم در برابر حکومت را شفاف می‌نماید.»

■ **رحیم فلاح**

سالیان اولیه برکناری رضاخان از سلطنت که ماقرن با اشغال ایران توسط دول خارجی بود، از سر فصل‌های شاخص تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. چالش‌های پهلوی دوم، دولت و مجلس سیزدهم، آن هم در دوره‌ای که موجی از خودآگاهی ملی سراسر ایران را فرا گرفته بود، در خور خوانش و عبرت‌اندوزی فراوان است. مقالی که در پی می‌آید، در صدد مرور و تحلیل این دوره از تاریخ و فراز و فرودهای آن است. امید آنکه تاریخ‌پوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **پهلوی دوم و پشت کردن تاکتیکی به مرام پدر در آغاز سلطنت**

پهلوی دوم در آغاز پادشاهی خود می‌کوشید تا حد امکان با یافتن یاران بیشتر موقعیت جدید خود را حفظ کند. وی برای جلب اعتماد متفقین، همکاری کاملی با آنها داشت. اعزام نیروی داوطلب جنگ به اروپا و سکوت در برابر بازگشت ۵۰ افسر ایرانی طرفدار آلمان و ایتالیه. در مقابل انگلیس و شوروی طی معاهده همکاری به صورت ضمنی پشتیبانی از خاندان پهلوی را تضمین کرد.

شاه جدید برای کسب حمایت، اقداماتی نظیر آزادی زندانیان سیاسی، خودداری حمایت از عاملان پدرش که به کشتن زندانیان سیاسی متهم بودند، واگذاری زمین‌های وقفی به مؤسسات مذهبی، تأسیس دانشگاه الهیات در دانشگاه تهران، عودت زمین‌های غصبی به دولت و مالکان واقعی، مراسم سوگند در برابر نمایندگان مجلس، اعتبار مجدد به مصونیت پارلمانی نمایندگان، واگذاری ژاندارمری به وزارت کشور و انجام داد و مهم‌تر اینکه از مجلس خواست تا دوباره در جریان تشکیل کابینه‌ها دخالت و مشارکت داشته باشد.

■ **مجلس سیزدهم و آمادگی برای مصالحه**

تلاش شاه جدید برای حفظ سلطنت با بخت بلندی نیز همراه شد. اشغال کشور درست هنگامی صورت گرفت که رضاشاه آخرین اقدامات و زمینه‌سازی‌ها را برای انتخابات مجلس سیزدهم انجام داده بود. بنابراین، شاه جدید وارث مجلسی شد که آماده بود با او مصالحه کند ولی ارش و امور نظامی همچنان دست نخورده باقی ماند. دستورات نظامی طبق روال گذشته از دفتر نظامی دربار به رئیس ستاد ارتش و از آنجا به فرماندهان محلی می‌رسید بدون اینکه وزرای جنگ دخالتی داشته باشند. حر کاتی جهت حفظ وفاداری



گذری بر چالش‌های پهلوی دوم، دولت و مجلس سیزدهم (۱۳۲۲–۱۳۲۰ شمسی)

انتقال ۵۰۰ هزار دلار از نیویورک برای کامیابی در انتخابات!

افسران ارتش را آغاز کرد و با ترتیب دادن مانورهای نظامی، بررسی ترفیع افراد عالی‌رتبه (از سرگرد به بالا)، شرکت در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشکده‌های نظامی، جلوگیری از محاکمه عمومی فرماندهان ارشدی که در شهریور ۱۳۲۰ محل مأموریت خود را ترک کرده بودند، تسریع در ترفیع درجه افسران شمار سرهنگ‌ها فرماندهان عالی‌رتبه را در عرض ۲۰ ماه برابر با تعدادی کرد که ۶۵ هزار نفر به در عرض ۲۰ سال بدان میزان رسانده بود. برای سازماندهی، آموزش و تجهیز دوباره نیروهای مسلح با ایالات متحده آمریکا قرارداد بست. با حفظ بودجه دفاعی و حقوق افسران شمار نیروهای مسلح را از ۶۵ هزار نفر به ۸۵ هزار رساند. به طور کلی علاقه شخصی خود را به ارتش حفظ کرد. سرریدر بولارد، سفیر انگلیس، در گزارش خود می‌نویسد: «شاه که در علاقه مردم به سلطنتش تردید دارد به افسران دل بسته و ارتش را کاملاً آذاره می‌کند» در واقع تا زمانی که مجلس به حفظ مصالحه با شاه گرایش داشت، ارتش می‌توانست از سلطنت پشتیبانی کند.

■ **مجلس سیزدهم با ترکیبی غیرمنسجم و غیرمتشکل**

البته با تقسیم مجموعه غیرمنسجم و غیرمتشکل نمایندگان مجلس سسیزدهم به چهار گروه متغیر، بی‌ثبات ولی مشخص، این سازش موقتی نیز کم‌از کم، بین رفت. این چهار گروه عبارت بودند از: فراکسیون اتحاد ملی، فراکسیون میهن، فراکسیون آذربایجان و فراکسیون عدالت. این چهار گروه نه تنها در مسائل داخلی، به ویژه این مشکل قانون اساسی که چه کسی باید ارتش را در دست داشته باشد هم توافق نداشتند. در مسائل خارجی به ویژه مشکل حیاتی چگونگی حفظ استقلال ملی در زمان اشغال نیروهای خارجی نیز اختلافتنظر داشتند.

■ **فراکسیون اتحاد ملی، نماینده اشراف**

فراکسیون اتحاد ملی که بزرگ‌ترین جناح مجلس بود ولی اکثریت را نداشت، نماینده بخشی از اشراف بود که در رژیم رضاشاه مشارکت موقعیت‌آمیزی داشتند. همچنین بیشتر اعضای این فراکسیون از حوزه‌های انتخاباتی خارج از محدوده اشغال متفقین، یعنی نواحی آشوب‌زده قبیله‌ای استان‌های مرکزی و غربی تحت حکومت نظامی بودند. در مورد قانون اساسی، آنان به حفظ مصالحه با شاه امیدوار بودند. در نتیجه تلاش می‌کردند تا برای ایجاد موازنه در برابر این دو دشمن دیرینه، آمریکا را به صحنه آورند. رهبر آنان، مرتضی‌قلی‌خان بیات (سهام‌السلطان) بود که به تازگی

تاریخ

کفت و گو ۸۸۹۸۴۳۷

شه‌ریور ۱۳۲۰، محمدرضا پهلوی در حال ورود به مجلس شورای ملی برای سرنگ‌سلسنت

نخست‌وزیر سال ۱۳۰۰ شمسی بود که رضاشاه او را از قدرت کنار گذاشته بود. وی که ۲۰ سال از زندگی تبعیدی خود را در فلسطین سپری کرده بود در شهریور ۱۳۲۲ به کشور بازگشت و به قول سفیر انگلیس، ترس و وحشت شدیدی در بین سلطنت‌طلبان و سوءظن عمیقی میان مقامات شوروی پدید آورد. سفیر آمریکا در گزارش خود می‌نویسد که انگلیس باید بسیار تلاش کند تا شاه را نسبت به بازگشت سیدضیاء به کشور راضی کند. وی می‌افزاید سیدضیاء نامزد مناسبی برای نخست‌وزیری خواهد بود، زیرا وی چونان آلت دست انگلیسی‌ها، یک ضد شوروی سرسخت و یک زمینه‌ساز بی‌احتیاط کودتای ۱۲۹۹ شناخته شده است.

■ **فراکسیون آذربایجان در پی تعامل مشروط با شوروی**

در حالی که فراکسیون میهن با انگلیس متحد بود، فراکسیون آذربایجان که توسط تنی چند از اشراف قاجار رهبری می‌شد، به دلیل مخالفت با شاه و انگلیس، آماده بود تا به شرط حمایت نکردن شوروی از یک انقلاب اجتماعی در ایران، با این کشور همکاری نزدیکی داشته باشد. رهبر این گروه چند نفره، محمدولی فرمانفرما، برادر شاهزاده فیروز معروف بود که به دست رضاشاه کشته شده بود. فرمانفرما، در سال ۱۳۲۰ با پایان یافتن دوره بازنشستگی اجباری‌اش در انتخابات به تأخیر افتاده سراب که تحت اشغال شوروی بود و خانواده‌اش در آن منطقه مالک چندین روستا بودند شرکت کرد و به نمایندگی انتخاب شد. امیرنصرت اسکندری از دیگر اعضای برجسته گروه، از نوادگان فتحعلیشاه وارث ثروتمندترین زمین‌دار آذربایجان بود. این نمایندگان آذربایجان امیدوار بودند احمد قوام (قوام‌السلطنه) را به قدرت برسانند. وی سیاستمداری باسابقه بود که پیشتر ریاست چهار کابینه را بر عهده داشت و سپس توسط رضاشاه به پاریس و بعداً به کشتزارهای چای خود در گیلان تبعید شده بود. به گفته بولارد (سفیر انگلیس) وی گرچه نه بی‌طرف و نه طرفدار انگلیس بود، در بین دولت‌مردان قدیمی ضد دربار، تواناترین، زیرک‌ترین، ماهرترین، جسورترین، جاه‌طلب‌ترین و مقتدرترین فرد شناخته می‌شد. پژوهشگری ایرانی می‌نویسد: قوام که با ندانان‌های تیزی که به خانواده سلطنتی نشان می‌داد آنها را اعتدالیون، در مجالس گذشته نماینده حوزه انتخاباتیه اراک بود. حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه) سالمندترین دولت‌مرد فراکسیون، با ۲۰ سال تجربه پیوسته در خدمات عمومی، رئیس مجلس سیزدهم بود. در سال‌های اخیر، حسن اسفندیاری در صنعت ابریشم سرمایه‌گذاری چشم‌گیری کرده بود و امتیاز دولتی صدور پنبه گرم ابریشم را در اختیار داشت و بالاخره سیداحمدپهلهانی، فرزند مجتهد معروف دوره انقلاب مشروطه می‌کوشید تا سخنگوی گروه در بازل باشد گرچه پدر وی به عنوان یک رهبر دینی از داشتن هرگونه رابطه مالی و اداری با دولت خودداری کرده بود، احمد پهلهانی از رضاشاه مقرری دولتی و کرسی ثابتی در دشن دوره متوالی مجلس دریافت کرد.

فراکسیون اتحاد ملی که از قانون اساسی ناراضی بودند، از زمین‌داران و بازرگانان مناطق جنوب و جنوب‌غربی تحت اشغال انگلیس تشکیل می‌شدند. هاشم ملک‌مطه می‌کوشید تا سخنگوی گروه در بازل تاجر ثروتمندی بود که در هشت دوره متوالی به عنوان نماینده زاده‌گاهش ملایر به مجلس راه یافته بود. مدتی در چهار دوره بعدی مجلس، سیاستمداران طرفدار انگلیس را رهبری می‌کرد. مهدی نمازی، ثروتمندترین عضو گروه، مهم‌ترین واردکننده کالاهای انگلیسی بود. او در چهار دوره مجلس نماینده شهر خود، شیراز بود. دکتر هادی طاهری، عضو برجسته دیگر فراکسیون، تاجر میلیونر ابریشم یزد بود که در سال ۱۳۰۵ شمسی نمایندگی زادگاهش را در مجلس بر عهده داشت. مثلاً در سال ۱۳۲۴ یکی از برادران وی علی دشتی غنرخواهی شد و او دوباره به مجلس بازگشت. وی در سال‌های پس از اشغال کشور، اصلی‌ترین منتقد پارلمانی دربار بود و همواره به شاه جدید هشدار می‌داد که: «اگر در سیاست دخالت کند، تاج و تختش را از دست خواهد داد!»

نامزد برجسته این گروه برای نخست‌وزیری، علی سهریلی، دولتمرد غیراشرافی تحصیلکرده غرب بود. سهریلی در گذشته مشاغل مهمی در تهران داشت ولی در سال ۱۳۱۷ به دلایل مأمولی در مورد پی‌مهری قرار گرفته و به عنوان سفیر ایران در افغانستان به کابل فرستاده شد.

■ **اسفند ۱۳۲۰، یک ائتلاف و آشکار شدن موقعیت ضعیف فراکسیون اتحاد ملی**
در اسفند ۱۳۲۰ که سه فراکسیون میهن، آذربایجان و عدالت برای برکنار کردن فروغی متحد شدند، موقعیت ضعیف فراکسیون اتحاد ملی آشکار شد. فروغی از شهریور ۱۳۲۰ ریاست سه کابینه طرفدار دربار را بر عهده داشت. در مانور بعدی برای انتخاب نخست‌وزیر جدید، فراکسیون میهن با حمایت سفارت انگلیس سیدضیاء را علم کرد. فراکسیون آذربایجان نیز به کمک سفارت شوروی قوام را پیشنهاد کرد، اما از آنجایی که هر یک از گروه‌های فوق نامزد موردنظر طرف مقابل را رد می‌کردند، فراکسیون عدالت با پشتیبانی سفارت آمریکا توانست برای نامزد خود، سهریلی، آرای کافی به دست آورد. سهریلی پس از انتخاب وزرا، براساس توصیه فراکسیون‌ها و حتی تعیین یک تیمسار ارتش برای وزارت جنگ، رأی اعتماد اکثریت بالای مجلس را برای کابینه خود به دست آورد. البته در پنج ماه بعد که سهریلی برای نزدیکی علائق متضاد تلاش می‌کرد، این اکثریت از میان رفت. وی برای جلب حمایت نمایندگان که



محمدرضا پهلوی در کنار علیرضا پهلوی و احمد قوام در حاشیه یکی از بازدیدها

دوشنبه ۹ دی ۱۳۹۸ | ۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ |

می‌ترسیدند اگر متفقین مبالغ زیادی پول وارد کشور کنند تورم فراینده‌ای پدید خواهد آمد، اجرای طرح چاپ ۳۰۰ میلیون ریال اسکناس توسط بانک ملی برای قدرت‌های اشغالگر را به تأخیر انداخت. نیروی متفقین که برای پرداخت حقوق کارکنان بومی به این اسکناس‌ها نیاز داشتند با اقدام مذکور مخالفت کردند. سرانجام سهریلی در پی از دست دادن اکثریت پارلمانی خود، در مرداد ۱۳۲۱ کناره‌گیری کرد.

■ **قوام، هم‌نخست‌وزیر و هم‌وزیر جنگ!**

قوام که آماده چاپ اسکناس‌های مورد نیاز بود مناسب‌ترین نامزد نخست‌وزیری به نظر می‌رسید. قوام که با رضایت فراکسیون‌های آذربایجان، میهن و عدالت کابینه خود را تشکیل داده بود، پست وزارت جنگ را برای خود نگه داشت و به نمایندگان اعلام کرد که در آینده فرماندهی کل ارتش تابع وزارت جنگ خواهد بود. برای نخستین بار پس از سال ۱۳۲۰ غیرنظامیان می‌خواستند اداره ارتش را به دست بگیرند. قوام در چهار ماه بعدی روابط خود را با متفقین بهتر کرد و کوشید تا شاه را تضعیف کند. قوام طی ارائه لایحه ویژه‌ای که به تصویب مجلس سیزدهم رساند تا مستویت‌امور مالی کشور به دکت ملسیپو، اقتصاددان آمریکایی که در اوایل دهه ۱۳۰۰ شمسی در ایران خدمت کرده بود، سپرده شود. قوام سلطنت‌طلبان را از وزارت جنگ بیرون ریخت و بسه اعضای کابینه دستور داد که فقط از طریق دفتر نخست‌وزیر با شاه تماس بگیرند. سرانجام کشمکش میان قوام و شاه به خیابان‌های تهران کشیده شد. اصناف بازار در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ برای اعتراض به قیمت بالای مواد غذایی مسئله چاپ اسکناس‌ها و قانون مالیات بر درآمدی که به تازگی میلسیپو وضع کرده بود در بیرون مجلس راهپیمایی کردند. البته هنگامی که قاجو کشتان و افسران ارتش اعلام کردند که شاه هرگز اجازه نهد تا سربازان به طرف مردم محبوبش! تیراندازی کنند، راهپیمایان به سوی ساختمان مجلس حمله‌ور شدند. وقتی ارتش از مداخله پلیس جلوگیری کرد، تظاهرکنندگان دو نماینده را مورد ضرب و شتم قرار دادند، به نانوائی‌ها حمله‌ور شدند، فروشگاه‌های لوکس و منزل قوام را غارت کردند و محله اعیان‌نشین شهر را تهدید کردند. در ۲۴ بهمن ۱۳۲۱ قوام چاره‌ای جز استعفا نداشت. شاه جوان نخستین مرحله مبارزه برای حفظ موقعیت نظامی خود را پیروزمندانه سپری کرد. بولارد (سفیر انگلیس) می‌گوید: نمایندگان به این دلیل قوام را بیرون کردند که خودشان گروهی دهمدی بی بی‌ثبات بودند و هیچ اصل راهنمایی برای خود نداشتند.

■ **دولت سهریلی و مواجبه به ۳ بحران**

پس از برکناری قوام، فراکسیون‌های عدالت و میهن برای بازگرداندن سهریلی با فراکسیون اتحاد ملی متحد شدند. سهریلی پس از کسب اکثریت عمده مجلس، با جلب رضایت نیروهای مذهبی موقعیت خود را تقویت کرد. وی یک قاضی شرع پیشین را به وزارت دادگستری منصوب کرد. رسماً پذیرفت که پلیس به هیچ وجه نباید تواند در مسئله جناب اعمال زور کند، نظارت دولت بر مکتب‌ها و مدرسه‌ها را تحدید کرد، و وعده داد تا کلاس‌های مختلف مدارس دولتی را برچیند و درس تعلیمات دینی را به برنامه درسی مدارس دولتی افزود.

گرچه سهریلی در سال ۱۳۲۲ اکثریت مجلس را حفظ کرد، در روابط وی با شاه سه بحران جدی پدید آمد:

بحران اول در پی خودداری سهریلی از توقیف روزنامه‌هایی که مسائل شخصی و شرم‌آور اعضای خانواده سلطنتی را چاپ کرده بودند، شکل گرفت.

بحران دوم بر سر مسئله بودجه سالانه پیش‌آمد به نحوی که سهریلی به تشویق میلسیپو، برای متوازن ساختن بودجه شمار نیروهای ارتش را از ۶۵ هزار نفر به ۱۰۰ هزار نفر کاهش داد، ولی شاه به مجلس ارتش ۱۰۸ هزار نیرو داشته باشد. سرانجام رئیس ۸۶هزار نفر رساند. سفیر آمریکا می‌نویسد: «شاه با نظر میلسیپو درباره کاهش بودجه نظامی موافق نیست، زیرا این اقدام، تسلط وی را بر ارتش که نقطه امیدش برای باقی ماندن در قدرت است، به مخاطره می‌اندازد.»

بحران سوم نیز همزمان با نزدیک شدن انتخابات مجلس چهاردهم، در مورد وزارت کشور پدید آمد. از آنجا که وزارت کشور استناداران، فرمانداران و شوراهای نظارت بر انتخابات را تعیین می‌کرد، سهریلی، شاه و فراکسیون میهن بر سر این پست مهم با یکدیگر به رقابت برخاستند. از یک سو سهریلی مخفیانه سفیر آمریکا را آگاه کرد که اگر به خاطر ترس از سوءاستفاده شاه و دار و دست‌هاش از وقفه کار مجلس و فرارری دیکتاتوری نظامی نبود، مجلس را منحل و انتخابات جدیدی برگزار می‌کرد پیش از کش و قوس‌های فراوان، شاه تشکیل مجلس سنا را بر اساس قانون اساسی پیشنهاد کرد. اما بولار (سفیر انگلیس) با این استدلال که تشکیل مجلس دیگر فقط به اشکال تراشی پارلمانی خواهد افزود، پیشنهاد فوق را رد کرد. شاه که خود را در شرایط مخاطره‌آمیزی یافت، سرانجام برای سرمایه‌گذاری جهت «دسیسه‌چینی سیاسی» در این انتخابات اجتناب‌ناپذیر ۵۰۰ هزار دلار از نیویورک به کشور انتقال داد. به نظر بولارد: «شاه که یقیناً از ترکیب مجلس جدید نگران است، در نظر دارد تا همه اقدامات احتیاطی ممکن را انجام دهد.»

■ **منبع: کتاب ایران بین دو انقلاب، نوشته پروانده ابراهامیان، نشر نی (چاپ ۰۲۱، سال ۱۳۹۲)**